

احمد رضا خزایی^۱

چکیده

در این نوشته تلاش می‌کنیم تا ضمن تعریف عقل، فرهنگ، مدیریت فرهنگی و مدیریت ازدیدگاه اسلام، جایگاه عقل عملی در مدیریت فرهنگی را بررسی نماییم. سوال اصلی این است که نقش عقلانیت در مدیریت فرهنگی چیست؟ پاسخ این است که عقل با توجه به موضوع اجتهاد و حجیت آن در عرض ادله استنباط احکام شرعی بوده و همچنین در فهم برخی از مصالح و مفاسد و ملاکات احکام و حسن و قبح و وجود ملازمه میان حکم شرع و عقل و تفسیر و تاویل متون، در مدیریت فرهنگی جامعه و مقابله با آسیب‌های اجتماعی و... نقشی اساسی ایفا می‌کند. طبق نظر اکثر اندیشمندان اسلامی این اصل پذیرفته شده است که آیات و احادیث را می‌توان با محک عقل سنجید و اگر با عقل مخالفت داشته باشد، باید تأویل شوند. همچنین این مبنا که ظواهر دینی در برابر براهین عقلی، مقاومت ندارد مورد قبول همه متفکران اسلامی است. در پایان ویژگی‌های مدیر فرهنگی را از دیدگاه آیات کریمه مورد بررسی قرار داده‌ایم:

کلید واژه ها: قرآن، عقل، مدیریت فرهنگی، فرهنگ

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی و بررسی زمینه های بهره مندی از آن به این صورت است که از یک سو بشر امروز بر عقل مبتنی بر تجربه تکیه دارد و منبع دیگری را برای کسب معرفت نمی شناسد و از طرف دیگر مسلمانان عقیده دارند که خداوند بسیاری از معارف مورد نیاز بشر را در حوزه های مختلف از جمله اخلاق، فرهنگ، حقوق، سیاست و ... از طریق متون وحیانی اعم از قرآن و سنت در اختیار ما قرار داده و وظیفه ما در عصر حاضر استفاده از متون دینی برای غنای معارف بشری است. دانشمندان مسلمان که خود از زمان های گذشته در خصوص جایگاه عقل در فهم متون و حجت بودن آن به تأمل پرداخته اند، امروزه بیش از پیش بحث و گفتگو درباره جایگاه عقل در عرصه فرهنگ اسلامی را ضروری می دانند.

اداره یک جامعه الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی مدیریت اجتماع ناچار از پذیرش آن است. از جمله این الزامات تحول مداوم مسائل مربوط به اجتماع از جمله فرهنگ آن است. بنابراین نظام فکری ای که در پی مدیریت جامعه است باید بتواند تحولات و تغییرات را مدیریت کند یعنی باید بتواند این تغییرات را به نحوی جهت دهد که جامعه از سلامت بالاتری برخوردار شود.

در این میان عقل و استدلال به آن همواره در فرهنگ اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و نزاع و اختلاف بر سر حجیت آن، قدرت درک حسن و قبح توسط آن و ... در اسلام دارای پیشینه ای دیرینه است. و بحث حجیت و عدم حجیت عقل و سایر مسائل مربوط به این حوزه زمانی شکل گرفت که به ظاهر برخی از احکام ناشی از عقل مخالف با احکام شرع که منبعی فراتر از عقل است، درآمد یا عده ای تصور کردند که با وجود دین و بیان احکام و مسائل توسط شارع دیگر نیازی به رجوع به عقل نیست و تلقی آنها این بود که شارع همه امور لازم زندگی را بیان کرده و دیگر نیازی به استفاده از عقل نیست.

سؤالات متعددی در این خصوص مطرح است از جمله اینکه اگر در خصوص موضوعی تحت شرایط خاصی آیه و روایتی صادر شده باشد آیا فقیه می تواند به جزء فهم اولیه و کلی آن روایت، نظر دیگری دهد مثلاً شرایط زمانی و مکانی، علت سؤال و ... را لحاظ نموده و با قطع نظر از روح شریعت به چیزی فراتر از ظاهر آن روایت حکم کند یا خیر؟ آیا می تواند بدون در نظر گرفتن آن شرایط به همان حکم در زمان و مکان و موقعیتی دیگر فتوا دهد؟ آیا فهم و برداشت های عقلی از نصوص دینی و قرآنی اعتبار دارد یا خیر؟ این مسأله سال ها است که محل اختلاف نظریه پردازان جهان اسلام است و عقیده های مختلفی در این حوزه بوجود آمده است که مهم ترین آن مکاتب فکری عبارتند از اخباریون، اصولیون، معتزله، اشاعره، حدیث گرایان و ... آیا مدیریت متحول فرهنگی - اجتماعی می تواند بدون استفاده از عقل به سرانجام مطلوب برسد و با ساختاری مناسب جامعه را به سعادت و عدالت راهبری کند؟ چون انسان همانند حیوان نیست که زندگی او بر اساس غریزه باشد و هیچ تحول و دگرگونی ای نداشته باشد بلکه زندگی فرهنگی - اجتماعی انسان چون زندگی او بر اساس عقل است همواره دستخوش تحول است و راز اشرف مخلوقات بودن انسان همین است، انسان فرزند بالغ و رشید طبیعت است. به مرحله ای رسیده است که دیگر نیازی به قیومیت و سرپرستی مستقیم طبیعت به اینکه نیروی مرموزی به نام غریزه او را هدایت کند - ندارد او با عقل زندگی می کند نه غریزه (مطهری، ۱۱۵).

الف - تعریف عقل در لغت

عقل در لغت به معنای ثبات در امور ، حبس و دیه است. قوه تمییزی است که انسان را از حیوان جدا می کند (ابن منظور، ۴/ ۸۴۷) این کلمه در اصل از عقلال به معنای ریسمانی که به وسیله آن زانوی شتر سرکش را می بندند و مهار می زنند، آمده است عقل قوه ای است در وجود آدمی که جلوی غرایز و امیال سرکش او را می گیرد و هوس های او را می بندد (ابن فارسی، ۲۲۸) در لغت نامه دهخدا نیز عقل چنین تعریف شده است: «خرد و اندیشه و دریافت صفت اشیاء از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر یا علم به مطلق امور به سبب قولی که ممیز قبیح از حسن است یا به سبب معانی و علوم مجتمعه در ذهن که بدان اغراض و مصالح انجام پذیر است.» (دهخدا، ماده عقل). جوهری عقل را «حجر و نهی» معنا می کند (جوهری، ۵/ ۱۷۶۸).

ابن منظور می گوید: «العقل الحجر و النهی ضد الحمق» طبق دیدگاه این دو لغت دان معنای عقل، رشد و خرد می باشد در مقابل حماقت و ابله‌ی همان گونه که عده ای عقل را در برابر جهالت می دانند که براساس نظر این گروه عقل به معنای علم می باشد (فراهدی، ترتیب کتاب العین، ۵۶۵).

لغت دانان عرب واژه عقل را هم چنین در معانی دیگری از قبیل «قلب»، «دیه»، «تأمل در کارها»، «تمییز» و استعدادی که با آن علم و آگاهی تحقق می یابد، به کار برده اند. (راغب اصفهانی، ۳۵۴).

احمد بن فارس بعد از اینکه معانی متعددی برای واژه عقل بیان می کند می گوید: «من ذلک: العقل و هو الحابس عن ذیع القول و الفعل» (ابن فارس، ۴/ ۶۹ و ۷۱)، عقل به معنای معروف نیز از این قبیل است چون که عقل با معنای اصطلاحی اش بازدارنده فرد عاقل از قول و فعل نکوهیده است و در واقع او را از گفتن قول و فعل نکوهیده حبس می کند.

با توجه تعریف های مختلف برخی از لغت دانان (غیبه، ۳۶) برای عقل چهار کار کرد بیان کرده اند.

۱- عقل مترادف بار شد و آن قدرتی بالفعل برای استنتاج از نتایج و دلالات صحیح است.

۲- وسیله ای است در انسان برای تفکر، اراده، ممارست فهم و داوری.

۳- درک و داوری صواب، هماهنگ با منطق است.

۴- موهبتی برای درک متفاوت از احساس.

در این نوشتار مقصود از عقل همین معنای چهارم است.

ب - عقل در قرآن و روایات

خود لفظ عقل به عینه در قرآن به کار نرفته است ولی مشتقات آن حدود پنجاه بار در قرآن مجید استعمال شده است؛ البته در برخی موارد در آیات کریمه به جای واژه عقل از الفاظی شبیه حجر و نهی استفاده شده و صاحبان عقل و خرد را اولو النهی (آل عمران، ۳) و ذی حجر (الفجر، ۸۹) می خواند.

قرآن در موارد متعددی فواید و آثار گرانبهای تعقل و فرجام ناپسند و ناکام عدم تعقل را بیان کرده است. مثلاً در سوره مائده تسلیم در برابر حق و ایمان به توحید نتیجه و عقل است و استکبار در مقابل حق و توحید نتیجه عدم تعقل

است. البته ناگفته نماند قرآن صریحاً آن را ستوده است عقل به معنای مصدری است یعنی اندیشیدن و آنچه مزمت کرده عدم این عقل است بنابراین وقتی قرآن اندیشیدن و تعقل را می ستاید به طریق اولی نیرویی که این عمل پسندیده را انجام می دهد می پسندد .

در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز عقل و کاربرد آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تعداد روایات مربوط به عقل به اندازه‌ای زیاد است که عده‌ای از نویسندگان آن‌ها را غیر قابل شمارش دانسته‌اند.

پیامبر (ص) فرموده‌اند خداوند چیزی برتر از عقل میان بندگان تقسیم نکرده است (کلینی، ۱/۱۴).

امام علی (ع) می فرماید: «خدا با چیزی بهتر از عقل پرستش نشده است» .

شاید بهترین تعبیر در مورد عقل پاسخ امام صادق (ع) باشد در جواب شخصی که از ایشان پرسیدند: عقل چیست؟ «عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستیده شود و بهشت به دست آید. سائل می گوید گفتم آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: نیرنگ و شیطن بود. آن مانند عقل است ولی عقل نیست» (کلینی، ۱/۱۶).

با دقت در روایات درمی یابیم هریک از احادیث اثری از آثار عقل را بیان نموده است علامه مجلسی بعد از اینکه روایات متعدد باب عقل و جهل را بیان می کند و معانی واژه عقل را تبیین می کند خلاصه مفهوم روایات در خصوص عقل را چنین بیان می کند اخباری که در مورد عقل وارد شده است، در معنای اول قوه ای است که خیر و شر را درک و جدا می سازد و انسان را بر تشخیص اسباب و موانع امور خیر و شر توانا می سازد . و دوم حالتی نفسانی است که انسان را به گزینش خیر و سود و دوری جستن از شر بنابراین به نظر می رسد همگان در اطلاق عقل بر گوهری نفسانی که خیر و شر و حسن فعل خیر و قبح فعل شر را درک می کند اتفاق دارند.

مفهوم شناسی فرهنگ

هیچ یک از کتاب های لغت و دایرة المعارف ها تعریف خاص و مشخص در مورد مفهوم و ماهیت فرهنگ ارایه نکرده اند . (جعفری، ۱۳۷۹). فرهنگ واژه ای فارسی است که پیشینه ای دور و دراز دارد این واژه مرکب از دو جزء «فر» «هنگ» است . فر به معنی «جلو» و بالا «، بر» «پیش» و... آمده است هنگ نیز از ریشه ی اوستایی «ثنگ»^۱ به معنی «کشیدن»، «زور» «قدرت» و... گرفته شده است . بر این مبنا از نظر لغوی می توان واژه فرهنگ را کشیدن به سوی بالا «و بیرون کشیدن» معنی نمود که تلویحاً سیر تکاملی ورستن و رستادن از جهل و تاریکی را نیز می رساند . علاوه بر این در زبان فارسی فرهنگ به عنوان یک واژه بسیط نه ترکیبی رساننده ی مفهوم ادب، تربیت، معرفت، حکمت، هنر، عقل، دانش و بزرگی نیز بوده است . (نایینی، ۱۳۸۹).

تنوع مفاهیم و وسعت معانی اصطلاح فرهنگ ، چنان بعد گسترده ای یافته است که دیگر نمی توان آنرا منحصرراً به مفهوم و معنای دانش و تربیت محدود دانست چنان که امروزه در تعاریف ارایه شده از فرهنگ، به معنای لغوی آن توجهی نمی شود و عمدتاً ابعاد جامعه شناسانه ، مردم شناسانه و روان شناسانه مورد توجه است. بر این اساس ، تعداد تعاریف فرهنگ ظاهراً به دوست و سیصد و حتی بیشتر می رسد و مفاهیمی که هرروزه با پسوند و پیشوند فرهنگ نظیر: فرهنگ شهری ، فرهنگ روستایی، فرهنگ عشایری، فرهنگ ماشینی، هویت فرهنگی، بی فرهنگی و... به کار می روند هیچ کدام مغایر با تعاریف مطرح شده و بیرون وجدای از آن نیست (روح الامینی، ۱۳۶۸).

^۱ thanga

تعریف ادوارد بی تایلور در کتاب «فرهنگ ابتدایی» در سال ۱۸۷۱ از فرهنگ یکی از شناخته شده ترین تعاریف است و فرهنگ را این گونه تعریف نموده است: «فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره عادات، رفتارها و ضوابطی که فرد به عنوان عضوی از جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن، جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد، می باشد».

فرهنگ در میان همه جوامع به عنوان کیفیت یا شیوه ی بایسته و شایسته حیات بشری تعیین شده است. آنچه موجب بروز تعاریف مختلف و متعدد شده است تنوع دیدگاه محققان و صاحب نظران در تفسیر فرهنگ به اتفاق نظر در اصل تکامل آن بوده است این اختلاف چنان که خواهیم دید با گذشت زمان و بروز انواع پدیده ها و مورد توجه قرار گرفتن آن ها به عنوان کیفیت های شایسته حیات بوده و در برخی موارد معلول خصوصیت های محیطی و برداشت از جهان بینی بوده است. (جعفری، همانجا، ۳).

آلفرد کرو بر در کتاب انسان شناسی خود فرهنگ را «انبوه واکنش های حرکتی، اکتسابی، فنون، اندیشه ها و ارزش ها و رفتار ناشی از آن ها تعریف کرده است و اندیشه ها و ارزش ها را هسته ی اصلی فرهنگ می داند (چلپی، ۱۳۷۸).

از دیدگاه اولسون فرهنگ مجموعه ای چهار جزئی است که این اجزاء عبارتند از باورها، ارزشها، هنجارها و فن آوری ها و بر این عقیده است که باورها به پرسش «چستی» ارزشها به پرسش «چه باید باشد» هنجارها به پرسش «چه انجام می شود» و سرانجام فن آوری ها به پرسش «چگونه انجام شود» پاسخ می دهند. (همانجا).

فرهنگ از نظر شاین در سه سطح مطرح است: باورها و مفروضات که عمیق ترین سطح و هسته فرهنگ است. ارزش ها و هنجارها که مبنای قضاوت در مورد آنچه درست یا نادرست است می باشد مصنوعات که سطح ظاهری فرهنگ می باشند. (ادگار، ۱۳۸۲).

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) به مفهوم ملیت و هویت یک ملت تعریف شده است؛ «فرهنگ مبدأ خوشبختی و بدبختی ملت است اگر فرهنگ ناصالح باشد این جوان هایی که تربیت می شوند، به تربیت فرهنگ ناصالح (خمینی، صحیفه نور، ۱/ ۴۴۵).

از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «فرهنگ مجموعه ای سیاسی است که مستقیماً مربوط به انسان است. فرهنگ بر آیند عادات و اعتقاداتی است که به یک جامعه اختصاص پیدا می کند. بی تردید بخشی از این عادات و اعتقادات جوششی است که از نسل گذشته به نسل حاضر رسید و بخشی از آن کوششی است که ثمره نسل حاضر است. در واقع فرهنگ شناسنامه دسته جمعی یک ملت است هویت همگانی است که همگان باید پاسداری و حراست از آن بکوشند و دفاع کنند. (سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۴).

از دیدگاه معظم له فرهنگ منشأ انقلاب اسلامی و تحول در سایر حوزه ها است که باید به وسیله مسئولین نظام و مدیران فرهنگی مورد توجه اکید واقع شود.

با بررسی تعاریف متعددی که از فرهنگ ارائه شده است می توان مشترکات ذیل را از آن ها استخراج نمود: ۱- عامل وحدت و نظم ۲- راهنما و دالنگر ۳- وجه تمایز جامعه ۴- نظام ارزشی متعادل ۵- دانایی و شناخت و انتقال آن ۶- شناخت به اضافه ی تجربه و مهارت ۷- ملکه ی جمعی ۸- پرورش اندیشه ۹- ارزش ۱۰- ارزیابی ۱۱- هنر ۱۲- رفتار

بر خواسته از ضمیر نا خود آگاه ۱۳- رفتار سنتی ۱۴- سرسپردگی جمعی ۱۵- رفتار مکتسب ۱۶- رفتار تحمیلی اجتماع بر اعضا (نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت

مدیریت معادل واژه انگلیسی management به مفهوم علم و هنر و اداره کردن سازمان‌های اجتماعی به کار برده می‌شود. علم مدیریت در دنیای امروز به علت ثمرات ارزشمندی که به کارگیری صحیح آن برای سازمان‌های مختلف در پی داشته از رشد و توسعه چشم‌گیری برخوردار شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و دانشمندان، مدیریت را مهم‌ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... می‌دانند و برای رشد و توسعه آن سرمایه‌گذاری قابل توجهی می‌کنند.

در خصوص تعریف مدیریت همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، جرج موریس می‌گوید: «مدیریت را می‌توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی تعریف کرد.» (نقل از الوانی، ۱۳۶۹).

هنری مینتز برگ معتقد است مدیریت شامل وظایف و نقش‌هایی چون رهبری سازمان، منبع اطلاعات و عامل تصمیم‌گیری و ایجاد رابطه با سایر سازمان‌ها است (حبیبی، ۲۷).

در مجموع دیدگاه‌های مختلف در باب مفهوم مدیریت گویای این است که مدیریت ترکیبی از علم و هنر است و مرز میان این دو به این صورت تبیین می‌شود که برای اداره سازمان‌های اجتماعی و فرهنگ‌یابی با اصول، تئوری‌ها و روش‌های علم مدیریت آشنا شد. و سپس در به کارگیری این علم بایستی از قابلیت فردی یا هنر اعمال مدیریت استفاده نمود.

اگر چه مدیریت در مفهوم کلی و عام آن به شکل‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده اما تقریباً همه اندیشمندان اتفاق نظر دارند که مدیریت عامل رسیدن به اهداف سازمان است.

استونر مدیریت را فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل کوشش‌های اعضای سازمان و سودجستن از تمام منابع سازمان برای دستیابی به اهداف معین سازمانی می‌داند (به نقل از نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت فرهنگی

در عصر جدید مساله فرهنگ بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده است. امروز به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی که امکان تهاجم فرهنگی را به شدت و سرعت فراهم کرد. فرهنگ‌ها در هم تنیده شده و هر فرهنگی هم‌زمان در مکان‌های مختلفی حضور دارد ذوق‌های فرهنگی، تحول و تغییرات فراوانی پیدا کرده است و صنعت‌گرایی هم کمک کرده که این جریان فرهنگی به صورت گسترده‌ای در دنیا و به صورت متراکم و درهم توسعه پیدا کند. بنابراین مساله مدیریت فرهنگی نیز به همین نسبت پیچیده است.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرمایند: «مدیریت فرهنگی به مفهوم وجود یک دستگاه متفکر، مدیر و مدبر است که قادر است فرهنگ یک کشور را قانونمند و ضابطه‌مند سازد بنابراین مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی قرار دارد و مرکز این مدیریت نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات

عقل که حکمی جاودانه فرازمان و فرامکان دارد در دین اسلام و فرهنگ اسلام جایگاهی والا دارد در بسیاری از آیات و روایات به تفصیل در مورد مقام عقل و حجیت برداشت های آن تأکید شده است و در این آیات و روایات عقل به عنوان حجت الهی قلمداد شده است همان گونه که قبلاً بیان شده در قرآن کریم حدود پنجاه بار ماده عقل و واژه های مترادف آن استعمال شده است و در بیش از سیصد آیه از قرآن کریم خداوند متعال انسان را به استفاده از عقل، خرد و تامل و تفکر دعوت کرده است مثلاً در سوره بقره آیه ۴۴ خداوند متعال می فرماید: «فلا تعقلون ...» و فقهای امامیه نیز با عبارت های مختلف به تکریم عقل و جایگاه آن تأکید داشته اند و تأمل شده اند به اینکه ایمان بدون خردورزی امکان ندارد (حلی، ۱۵۵).

امام موسی کاظم (ع) می فرماید: «خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است. حجت آشکار، حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیشوایان دینی هستند و حجت پنهان عقل است.» (حرانی، ۲۰۱). هم چنین گفته اند عقل ها، پیشوایان اندیشه ها به شمار می روند. از این گونه روایات که در مورد عقل وارد شده بسیار است که ما به همین مقدار سنجیده می کنیم در برخی از ساحت های فرهنگ اسلامی گرایش به عقل حاکم است چون کتاب و سنت و اجتماع محدودیت دارند و نمی توانند جزئیات همه احکام را در طول زمان صادر کنند برداشت های عقلی در مدیریت اسلامی حجیت داشته چون به عنوان سازگاری برای توسعه فرهنگی در برخورد با متون اسلامی یاری دهنده مخاطب متن هستند.

تکیه بر عقل از همان ابتدای زمان نزول آیات و صدور روایات از ناحیه پیامبر اکرم (ص) مورد توجه جدی واقع شد، چون با رواج بحث جعل حدیث توسط جاعلان و نسبت دادن آن به قرآن و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) فرآیند فهم نصوص با مشکلات جدی مواجه شد. در نتیجه برای اینکه وضعیت مشخص شود ناچار باید ملاکی وجود می داشت تا مراجعه کنندگان به آیات و روایاتی را از تحیر و سرگردانی خارج کرده تکلیف آنها را مشخص نماید و این ملاک چیزی جز خرد و عقل نمی تواند باشد و هرچه از زمان صدر اسلام دورتر می شویم به دلایل مختلف از جمله پیشرفت علوم و... ضرورت بیش از پیش رجوع به حکم عقل آشکار تر می شود. بنابراین با در نظر گرفتن چنین وضعیتی برای مدیریت صحیح فرهنگی یک مدیر فرهنگی لایق باید با به کارگیری هوشمندانه و دقیق عقل، برای مشکلات فرهنگی راه حل ارائه نماید.

وقتی از عقل به عنوان یکی از ادله استنباط احکام شرعی در عرض کتاب، سنت و اجماع صحبت می کنیم مقصود ما عقل به عنوان یک دلیل مستقل است نه اینکه مقصود ما عقل صرفاً ابزاری برای تفسیر و تبیین سنت و کتاب باشد. بنابراین عقل منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی است و ابزاری است که در تبیین سایر ادله استنباط و حل تعارض بین آنها مورد استفاده واقع می شود.

مرحوم مظفر می فرماید: «دلیل عقلی هر عقلی است که موجب قطع به حکم شرعی شود و علت اعتبار عقل در چنین مواردی به خاطر این است که عقل موجب یقین و حصول قطع می شود یقینی که ذاتاً حجت است بنابراین شامل ظنون و گمان ها نمی شود» (مظفر، ۴۷۷) شیخ مفید «علیه رحمه» حسن و قبح می فرماید: «حسن یعنی آن چیزی که با عقل سازگار باشد و قبیح یعنی چیزی که عقل با آن سازگار نباشد» (مفید، ۱۴۱۴) هم چنین مرحوم صدر

می‌فرماید: «دلیل عقلی، قطعی است که بهما در رسیدن به حکم شرعی کمک می‌کند و حجت آن از باب حجیت قطع می‌باشد» (صدر، ۲/ ۲۵۴) بنابراین عقل در فرهنگ و فقه اسلامی یک منبع مستقل است که علاوه بر این که توان استباط احکام شرعی را دارا می‌باشد به عنوان ابزاری برای فهم و تبیین سایر ادله نیز مورد استفاده واقع می‌شود.

کاربرد عقل عملی در مدیریت فرهنگی از دیدگاه قرآن

نکته دیگری که در این بحث حائز اهمیت است این است که علما و فلسفه عقل را به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌کنند.

در قلمرو عقل عملی سه شاخه قرار می‌گیرد. سیاست مدن، تدبیر منزل و اخلاق. عقل عملی به تنظیم و بازنگری در کنش‌های اجتماعی و غیر اجتماعی آدمی می‌پردازد. رفتارهای اخلاقی و اعمال صالح که در آیات و روایات بر آن‌ها تأکید شده است در حوزه عقل عملی قرار می‌گیرد و فهم عقل نظری در مورد استخدام عقل عملی به کار می‌رود (جوادی آملی، ۱۵۴).

ارسطو اولین فیلسوفی است که به تقسیم دوگانه عقل پرداخته است. در باب تمییز عقل عملی از عقل نظری چند نظریه از سوی متفکران اسلامی مطرح شده است.

عقل نظری جنبه ادراکی دارد، اما عقل عملی، جنبه تحریکی دارد. عقل عملی، فاقد بعد ادراکی بوده و فقط عامل فعل است. ابن سینا نفس ناطقه انسان را دارای دو قوه می‌داند: یکی قوه‌ی عالمه و دیگری قوه‌ی عامله، و اگر هم به هر یک از این دو قوه عقل گفته می‌شود از باب اشتراک لفظی است، چرا که عقل به معنی ادراک است، در حالی که قوه عامله، مبدأ تحریک بدن انسان برای انجام کارهای جزئی است اختلاف این دو عقل مربوط به غایت آن‌هاست. عقل نظری به عالم اعلی نظر دارد چرا که علوم نظری را از عالم مافوق نفس دریافت می‌کند اما عقل عملی به تدبیر بدن توجه دارد. غایت حکمت نظری، کمال نفس از جهت علم و آگاهی است. اما غایت حکمت عملی کمال نفس از نقطه نظر عمل و نیل به مقام عدالت است (ابن سینا، ۳/ ۲۶۰).

آیت ... مطهری آرای گوناگون ابن سینا را در آثار گوناگون وی به صورت ذیل در چند بخش جمع‌بندی می‌کند. حکمت نظری محصول توجه عقل به جهان بالاتر است تا به صورت عقل بالفعل درآید و حکمت عملی محصول توجه عقل به تدبیر بدن است و غایت هر دو حکمت هم کمال نفس است غایت اولی کمال نفس فقط از جهت مطلق دانستن است، اما غایت حکمت عملی، کمال نفس از جهت دانستن برای خوب عمل کردن است.

آرا و عقاید در علوم عملی ابزار و وسیله برای عمل کردن است.

ماهیت عقل عملی، از نوع عقل نیست بلکه لفظ عقل بر آن اطلاق شده است اگر هم شیخ گفته که عقل عملی متوجه تدبیر بدن است، مرادش تدبیر زندگی بدنی است که فقط جنبه فردی و نفسانی ندارد بلکه متوجه زندگی اجتماعی هم هست. (مطهری، ۷/ ۲۳۱ - ۲۳۲).

مدیریت فرهنگی چون با عمل و رفتار مردم پیوند دارد بنابراین این دانش بیش تر با عقل عملی ارتباط دارد. البته این که مباحث حوزه مدیریت فرهنگی غالباً با حوزه عقل عملی سرو کار دارند به این معنا نیست که عقل نظری در این رشته هیچ دخالتی نداشته باشد و مباحث آن عملی محض باشند بلکه تمام مباحث حوزه فرهنگ از طریق تبیینات عقل نظری به سرانجام می‌رسند. در واقع طبق دیدگاه برخی از فلاسفه عقل نظری و عملی اختلاف ماهوی ندارند و

یک قوه اند فقط گاهی با بینش ها و آراء نظری مرتبط است و گاهی با کنش ها و رفتارها مرتبط است. اسلام نیز در همین حوزه به تحلیل امور فرهنگی جامعه می پردازد و استنباط های عقل عملی به تولید حکم شرعی در تدبیر مدن و زندگی سیاسی شیعه می پردازد. (فیرحی، ۱۳۸۳) عقل عملی با تکیه بر ملازمه میان حکم عقل و شرع و بر عکس به تولید حکم شرعی در مدیریت جامعه و زندگی اجتماعی افراد می پردازد.

فهم خرد ورزانه در اندیشه دینی، عقلانیتی جامع اندیش است که دغدغه دنیا و آخرت را با هم دارد و حکم میکند که انسان به سود دنیوی و مادی بسنده نکند و در حصار عقلانیت ابزاری که تنها ماده و روابط مادی انسان را می بیند باقی نماند. (نبوی، ۱۳۷۹). دانش مدیریت فرهنگی با استناد بر عقل باید در جهت توسعه فرهنگی حرکت کند در واقع عقل عملی باید اجتهاد را به دانشی پویا و زمان آگاه تبدیل کند چون درک مقتضیات زمانی و مکانی هر حکم با در نظر گرفتن عقل و برداشت های عقلی امکان پذیر می نماید.

عوامل موفقیت مدیر فرهنگی

در ادامه چون توسعه فرهنگی وابسته به ویژگی های مدیران فرهنگی می باشد برخی از عوامل تأثیر گذار بر موفقیت مدیر فرهنگی را از دیدگاه قرآن بیان می کنیم.

موفقیت و یا شکست یک مدیر فرهنگی و برنامه ریزان تبلیغی در رسیدن به اهداف خود پنج عامل وابسته است:

انگیزه مدیر فرهنگی

محتوای کار فرهنگی

ویژگی های مدیر فرهنگی

ابزارهای فرهنگی

شیوه کار فرهنگی و ارسال

۱- انگیزه مدیر فرهنگی

بدون تردید، انگیزه قبل از هر چیز دیگر، ضامن موفقیت هر مدیر فرهنگی و برنامه های تبلیغی اوست، هر چه انگیزه قوی تر باشد، امید موفقیت بیشتر است، تأمل در متون دینی ای که در باره جایگاه تبلیغ و مدیر فرهنگی در اسلام سخن می گوید می تواند زمینه ساز تقویت انگیزه مدیران فرهنگی و تبلیغی باشد.

در این متون، ضرورت تبلیغ به عنوان یک تکلیف الهی و وظیفه دینی، اهمیت و آثار و برکات آن برای مدیر فرهنگی از یک سو و برای مردم از سوی دیگر، مورد تأکید قرار گرفته و فرهنگ به عنوان پایگاه احیای معنوی مردم و یاری رساندن به خدا معرفی شده است. (الانفال، ۲۴؛ محمد، ۷؛ الصف، ۱۴).

هم چنین مبلغ و مدیر فرهنگی، نماینده خدا، نماینده رسول، نماینده کتاب خدا، حجت خدا به مردم معرفی شده است. (فصلت، ۳۳؛ کلینی، ۱/۴۰۳؛ صدوق، الخصال، ۱۴۹/۱۸۲).

مدیر فرهنگی ترجمان حق، سفیر خالق و فراخواننده مردم به سوی خداست. (راوندی، ۱۳۲/۱۶۶؛ الصدوق الامالی، ۲۴۷/۲۶۶).

مدیر فرهنگی مجاهدی است که با سلاح سخن و قلم، به یاری خدا (یعنی دفاع از همه ارزش های انسانی و مبارزه و جهاد با همه زشتی ها و ناهنجاری ها) برمی خیزد و جامعه را به مقصد اعلای انسانی دعوت می کند (طوسی، ۴۶/۵۴) و

بدین سان یک مدیر فرهنگی، ارزشمندتر از هزاران عابد است، چرا که همت عابد، در جهت نجات خویش است و همت مدیر فرهنگی و مبلغ در جهت نجات مردم و خدمت به خلق و از این رو، در قیامت به عابد گفته می‌شود: «انطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ: بسوی بهشت برو»

اما به مدیر فرهنگی و مبلغ گفته می‌شود: «قِفْ! تَشْفَعْ النَّاسَ بِحَسَنِ تَأْدِيبِكَ لَهُمْ» (صدوق، علل الشرایع ۳۹۴/۱۱؛ صفار، ۷/۷).

درنگ کن! و پاداش آن که مردم را نیکو تربیت کردی، آنها را شفاعت کن! این فضایل، برای همه مدیران فرهنگی و مبلغان واجد شرایط است، اما کسانی که خلاقیت و ابتکار بیشتری دارند، از کمالات برتری برخوردارند و اگر به بلاد کفر و شرک سفر کنند و آن جا جان بدهند به سان ابراهیم خلیل (ع) در قیامت به صورت یک دست محشور می‌گردد. (طوسی، ۴۶/۵۴).

البته این جایگاه رفیع و مدیر فرهنگی مسئولیت بسیار سنگینی بدوش آنان می‌گذارد. و باید با آگاهی کامل و تدبیر و عقل وارد این عرصه شود.

۲- محتوی کار فرهنگی

محتوی بسته‌های فرهنگی و کار تبلیغی، یکی دیگر از ارکان موفقیت آن است و هر چه محتوی با موازین عقلی سازگارتر و پیام مبلغ از غنای فرهنگی بیشتری برخوردار باشد میران موفقیت و تأثیر گذاری در مردم افزایش می‌یابد خصوصاً در دانشگاهها که مخاطب خاص دارد باید در نقاط مشترک دانشجو، استاد و کارمند کار کرد و بسته‌های فرهنگی خاصی باید برای آنان تجویز کرد.

۳- ویژگی‌های مدیر فرهنگی

سومین رکن موفقیت، ویژگی‌های شخصی مدیر فرهنگی است. در صورتی می‌تواند در جایگاه واقعی خود، تداوم بخش راه انبیاء الهی باشد و از ارزشهای دینی دفاع کنند که از نظر علمی، اخلاقی و عملی، واجد ویژگی‌هایی باشد که اسلام برای دعوت کنندگان مردم به خدا و ارزش‌های انسانی و اسلامی ضروری می‌داند. خلاصه این ویژگی‌ها ۱- دین شناسی باشد ۲- مردم شناس باشد ۳- مخاطب شناس باشد. خردورزی و عقل را سرلوحه کار فرهنگی خصوصاً در محیط دانشگاهی قرار دهد.

۴- ابزارهای فرهنگی

یک مدیر فرهنگی، علاوه بر داشتن انگیزه‌ی قوی و پیام فرهنگی غنی و ویژگی‌های شخصی لازم برای موفقیت نیاز به ابزار دارد. سخن مهم‌ترین ابزار به مفهوم عام آن، تنها ابزار در در طول تاریخ است که در قالب‌های موعظه، خطابه، مناظره، نشر و نظم به اندیشه و دل مردم منتقل می‌کند.

جالب است که در روایات اسلامی نوشتار نیز از مصادیق سخن شمرده شده و خط را (زبان دست) خوانده‌اند. و براین اساس وسایل اطلاع رسانی جدید مانند سینما، تئاتر، اینترنت، ماهواره و... از اشکال گوناگون سخن محسوب می‌شوند. لذا باید از ابزارهای جدید انتقال که سهم جدی در انتقال دارند استفاده کافی برد.

۴- شیوه کار فرهنگی

پنجمین رکن موفقیت یک مدیر فرهنگی، شیوه‌ی کار فرهنگی است، تبلیغ هنر بزرگی است و مبلغ کامل، هنرمندی بزرگ. مدیر فرهنگی علاوه بر عوامل چهارگانه باید از هنرمندی خاص برخوردار باشد، بکارگیری شیوه‌های مؤثر و جدید دنیای مدرن و اجتناب از شیوه‌های تکراری و ملال آور و نادرست. مهمترین نکته این که کارایی سخن و همه ابزارهای جدید در مقابل کارایی عمل و اخلاق و اخلاص بسیار ناچیز است. لذا مدیر فرهنگی باید آراسته به علم و عمل و اخلاص و زینت ظاهری باشد.

نتایج مقاله

عقلانیت ملاک‌های اصلی در مدیریت فرهنگی کشور است. البته مقصود از عقل، عقلی است که برهان یابند و با مبادی و مبانی آن وجود خداوند و ضرورت نیاز به پیامبر و وحی ثابت شود، حکم این عقل در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه دانش (مدیریت فرهنگی حجت شرعی است. همانگونه که آیت ا... جوادی آملی در این خصوص می‌فرماید حکم فقهی، اخلاقی و حقوقی این عقل، حجت شرعی است، شرایط حجیت عقل را منطق به عهده دارد زیرا در منطق از برهان یقین آور و تمایز آن از تمثیل منطقی که همان قیاس فقهی است و از استقرای ناقص کاملاً بحث شده است (جوادی آملی، ۱۰۱). عقل ابزاری که صرفاً دنیوی و مادی به زندگی و پدیده‌های آن نگاه می‌کند جایی در فرهنگ اسلام ندارد. مدیریت در اسلام فقط با نگاه به آخرت است. همچنین براساس فرهنگ اسلامی که انسان را موجودی دارای قدرت استنباط و عاقل می‌داند و با تکیه بر اجتهاد می‌توان با قرار دادن دلایل مختلف در کنار یکدیگر به استنباط احکام) در حوزه‌های مختلف دست زده این امر سازو کاری اساسی را در فرهنگ اسلامی بوجود آورد تا مدیر فرهنگی در شرایط گوناگون فرهنگی و اجتماعی بتواند احکام عقلانی را صادر نموده و فرصت پیدا کند تا با رویکردی فعال و نقادانه نظریه پردازی کند. و راهکارهای برون رفت از آسیب‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی را با توجه به شکل جنگ نرم در عصر حاضر از مسیر آیات و روایات با استفاده از ظرفیت عقل عملی استخراج نماید و موجبات توسعه فرهنگی را فراهم آورد مهمترین عواملی که مدیر فرهنگی را در نیل به این هدف یاری می‌کنند عبارتند از: انگیزه، محتوای کار فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ابزار و شیوه کار مدیر فرهنگی.

قرآن کریم

- ۱- ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴ق.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: ۱۴۱۴ق.
- ۳- ابو زهو، محمد، تاریخ فرق الاسلامیه، بیروت: دارالفکر عربی، ۱۹۷۱م.
- ۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۵- ادگار، شاین، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برزو فرهی بوزنجانی، شمس الدین نوری نجفی، تهران: سیمای جوان، ۱۳۸۲ش.
- ۶- تایلور، ادوارد بی، فرهنگ ابتدایی، ۱۸۷۱م.
- ۷- جعفری، علامه محمد تقی، فرهنگ پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹ش.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن جماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، چاپ چهارم، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
- ۹- چلبی، مسعود، برنامه ریزی فرهنگی عامل تغییر یا ثبات، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۹، ۱۸، ۱۳۷۸ش.
- ۱۰- حبیبی، خصایص مدیران فرهنگی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بیان ۲۸، ۱۳۷۹ش.
- ۱۱- حرانی، ابو محمد حسن، تحف العقول، تهران: کتاب فروشی اسلامی، بی تا.
- ۱۲- حلی، مناہج الیقین فی اصول الدین، تحقیق: محمد رضا انصاری، بی جا، ۱۳۷۴ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.
- ۱۳- راوندی، فضل الله بن علی، النوادر، تحقیق: سعیدرضا علی عسکری، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه دار الحديث، ۱۳۷۷ش.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بی تا.
- ۱۵- سازمان مدارك فرهنگ انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۰ش.
- ۱۶- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل شرایع، الطبعة الاولى، بیروت: دارالحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- ۱۷- صدوق، محمد بن علی، الامالی، الطبعة الاولى، قم: تحقیق و نشر: مؤسسه البعثه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۸- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الامالی، الطبعة الاولى، قم: تحقیق: مؤسسه البعثه، دار الدقافه، ۱۴۱۴ق.
- ۱۹- فراهیدی، خلیل ابن احمد، ترتیب کتاب العین، مدرسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ۲۰- خمینی (ره)، روح ا...، جلد اول، صحیفه نور.
- ۲۱- مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقادات الامامیه، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۵م.
- ۲۲- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الرابعة، تحقیق: علی اکبر الغفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد اول.
- ۲۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.

۲۵- نایینی، علی محمد، درآمدی بر مدیریت فرهنگی، نشر ساقی، مؤسسه علمی و فرهنگی علامه عسگری، ۱۳۸۹ ش.